



هرساله در تاریخ ۸ژوئن، روز جهانی اقیانوس‌ها گرامی داشته می‌شود.

به گزارش اقتصادسرآمد، هدف از گرامیداشت این روز، آگاه‌سازی عموم مردم از تأثیر اقدامات انسان بر اقیانوس، ایجاد یک جنبش جهانی از شهروندان برای حمایت از اقیانوس‌ها و بسیج و متحد کردن جمعیت جهان در پروژه‌ای برای مدیریت پایدار این منابع با ارزش است.

روز جهانی اقیانوس‌ها از سال ۱۹۹۲ هر ساله در تاریخ ۸ژوئن گرامی داشته می‌شود. این روزی است برای گرامیداشت ارتباط ما با اقیانوس‌های زمین و برای یادگیری هر آنچه که می‌توانیم برای محافظت از زیستگاه‌های اقیانوسی انجام دهیم.

این روز برای روشن کردن اینکه اقیانوس، چگونه منبع حیات ماست و از بشريت و هر موجود زنده دیگری روی زمین حمایت می‌کند، در نظر گرفته شده است.

به گزارش earthsky، اقیانوس‌های زمین برای بقای انسان حیاتی هستند. در واقع، بیش از نیمی از اکسیژن موجود در جو ما از طریق فتوسنتز توسط فیتوپلانکتون‌ها و جلبک‌های دریایی در اقیانوس‌ها تولید می‌شود. علاوه بر این، میلیون‌ها نفر برای غذا به ماهی‌ها و سایر موجودات دریایی وابسته هستند. تحقیقات روی برخی از موجودات دریایی منجر به توسعه داروهای جدید شده است. علاوه بر این، جریان‌های اقیانوسی به تنظیم آب و هوای زمین کمک می‌کنند.

کارهایی هست که می‌توانید خودتان در این روز یا هر روز دیگری، انجام دهید. برای مثال، اگر نزدیک اقیانوس یا دریا زندگی می‌کنید، شاید بتوانید به یک گروه پاکسازی ساحلی بپیوندید. حتی اگر نزدیک دریا نیستید، می‌توانید خرده‌فروشان غذاهای دریایی و رستوران‌های غذاهای دریایی مورد علاقه‌تان را تشویق کنید تا غذاهای خود را به صورت پایدارتری تهیه کنند.

همچنین همه ما می‌توانیم با استفاده از کیسه‌های خرید قابل استفاده مجدد و بطری‌های آب قابل شارژ مجدد و با استفاده از محصولات زیست تخریب‌پذیر به جای پلاستیک، استفاده از پلاستیک را کاهش دهیم و به این صورت به اکوسیستم اقیانوس‌ها کمک کنیم.

به گزارش manoramayearbook، در ادامه به چند مورد از اثرات مفیدی که این منابع مهم طبیعی در زندگی ما دارند، خواهیم پرداخت.

__ اقیانوس بیش از ۷۰درصد از کره زمین را پوشانده است.

__ اقیانوس منبع حیات ماست و از معاش بشر و هر موجود زنده دیگری روی زمین پشتیبانی می‌کند.

__ اقیانوس حداقل ۵۰ درصد از اکسیژن کره زمین را تولید می‌کند، خانه بیشتر تنوع زیستی زمین است و منبع اصلی پروتئین برای بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان است.

__ اقیانوس نه تنها «به‌های کره زمین» است، بلکه بزرگ‌ترین «سینک کربن» آن نیز هست – یک حائل حیاتی در برابر تأثیرات تغییرات اقلیمی.

__ اقیانوس‌ها حدود ۳۰درصد از دی‌اکسید کربن تولید شده توسط انسان‌ها را جذب می‌کنند و اثرات گرمایش جهانی را کاهش می‌دهند.

__ اقیانوس نقش محوری در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی و تثبیت آب و هوای زمین دارد.

__ افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای بر سلامت اقیانوس تأثیر گذاشته است – گرم شدن و اسیدی شدن آب دریا – و باعث تغییرات مضرى در زندگی زیر آب و روی زمین شده و تواناییی اقیانوس در جذب دی‌اکسید کربن و محافظت از حیات در سیاره را کاهش می‌دهد.

__ اقیانوس کلید اقتصاد ماست و تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ میلادی ۴۰ میلیون نفر در صنایع وابسته به اقیانوس مشغول به کار باشند.

با این حال، اقیانوس‌های زمین اکنون به حمایت‌ما نیاز دارند. با کاهش ۹۰درصدی جمعیت ماهی‌های بزرگ و تخریب ۵۰درصدی صخره‌های مرجانی، ما بیش از آنچه که بتوان دوباره جایگزین کرد، از اقیانوس برداشت می‌کنیم. /ايسنا



متنکی بر خدمات مالی، لجستیک و گردشگری) هر سه به شدت به ثبات بلندمدت وابسته هستند. اما حضور در جنگ‌های نیابتی آفریقا، احتمال تلافی‌جویی گروه‌های مسلح را افزایش داده و حملات به کشتی‌های تجاری مرتبط با امارات در باب‌ المندب و اقیانوس هند دیگر سناریوی دور از ذهنی نیست. اگر کریدورهای دریایی که توسط DP World اداره می‌شوند ناامن شوند، دبی دیگر نمی‌تواند «لجستیک هاب» بی‌بدیل منطقه باقی بماند. در آن صورت، سرمایه‌گذارانی که برای «ثبات» وارد دبی شدند، برای «ریسک» از آن خارج خواهند شد.

هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال، سومین محور تنش‌زای استراتژی جدید ابوظبی است. امارات با ایجاد شرکت G۲۲ (که اخیراً فشار آمریکا منجر به جدایی از شرکای چینی شد) و سرمایه‌گذاری‌های میلیارد دلاری در چپ‌های هوش مصنوعی، ابررایانه‌ها و شهرهای هوشمند، تلاش کرده خود را به عنوان «پایتخت هوش مصنوعی خاورمیانه» معرفی کند. اما این مسیر سریع و بلندپروازانه با دو چالش اساسی روبروست: نخست، وابستگی شدید به فناوری و مجوزهای غربی به خصوص آمریکا که هر لحظه می‌تواند به ابزار فشار سیاسی تبدیل شود؛ دوم، حساسیت بالای بازار سرمایه به شوک‌های روانی. اقتصاد امارات نه از طریق مالیات یا تولید عظیم داخلی، بلکه از طریق اعتماد سرمایه‌گذار خارجی و گردش مالی دبی تغذیه می‌کند. یک حمله سایبری موفق به زیرساخت هوش مصنوعی ابوظبی، یا یک رسوایی مرتبط با جاسوسی فناوریانه، می‌تواند همان «ثبات روانی» که دبی را از دوحه یا مسقط متمایز می‌کرد، یک‌شبه نابود کند. بر خلاف عربستان که با ذخایر عظیم

سرتیبه گروه راهبردی –مرتضی فاخری –برای نزدیک

به پنج دهه، امارات متحده عربی تصویری از ثبات، میانه‌روی و معجزه اقتصادی در جنوب خلیج فارس روایت کرده؛ روایتی که در آن ابوظبی با صندوق‌های ثروت عظیم خود پشتوانه آرامش یک فدراسیون نوپا بود و دبسی به عنوان آهنربای تجارت، گردشگری و نوآوری، از نوسانات منطقه در امان مانده بود. این مدل توسعه که بر سه ستون «سرمایه‌گذاری محتاطانه منابع نفت»، «دیپلماسی چندجانبه بدون دشمن تراشی» و «منطقه آزاد تجاری باثبات» استوار بسود، امارات را به پناهگاه امن سرمایه و نماد بی‌طرفی هوشمند تبدیل کرد. اما امروز، چهره این کشور تغییر کرده است: خروج یک‌جانبه از اوپک، مداخلات نظامی مستقیم در شاخ آفریقا، سرمایه‌گذاری‌های جنجالی در قراردادهای هوش مصنوعی و بندرسازی رقابتی، و چالش‌های آشکار با همیمان سنتی خود، عربستان سعودی، همگی نشانه‌هایی از یک دگردیسی بنیادین هستند. امارات دیگر نمی‌خواهد تنها بازی‌رکن خنثای منطقه باشد؛ می‌خواهد معماری نقشه ژئوپلیتیک را بازنویسی کند. اما آیا این قمار برنده خواهد شد یا فروپاشی سه پایه‌ای که نیم قرن دوام آورد را رقم می‌زند؟

تصمیم ابوظبی برای ترک اوپک در سال‌های اخیر، اگرچه در پوشش «بهره‌وری بهتر از ظرفیت تولید» توجیه شد، اما در واقع اعلام استقلال کامل از چارچوبی بود که عربستان ستون مرکزی آن محسوب می‌شود. امارات که زمانی با ریساض در مدیریت عرضه نفت برای تثبیت قیمت‌ها هماهنگ عمل می‌کرد، اکنون به دنبال قراردادهای دوجانبه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نفتی خارج از خلیج فارس و تعیین سقف تولیدی مستقل از دیدگاه‌های اقلیمی یا سیاسی ریاض است. این رویارویی پنهان در مواردی چون جنگ یمن، اختلاف بر سر نقش لیبی و حتی رقابت در جذب سرمایه‌گذاری‌های چینی و هندی نیز دیده می‌شود. اساساً امارات می‌خواهد نشان دهد که «دوران تک‌قطبی عربی» به پایان رسیده و ابوظبی دیگر یک همپایه نیست، بلکه رقیبی مستقیم برای رهبری اقتصادی و نظامی منطقه است. این رویکرد تهاجمی اگرچه در کوتاه‌مدت قدرت چانه‌زنی امارات را نزد شرکت‌های بین‌المللی افزایش داده، اما هزینه سنگین تضعیف اجماع خلیج فارس را به همراه داشته؛ اجماعی که مهم‌ترین دارایی امنیتی امارات در برابر تهدیدات بیرونی بود.

در قاره آفریقا، داستان به مراتب پریسک‌تر می‌شود. امارات در کمتر از یک دهه، از یک شریک تجاری منفعل به بازیگر مسلح و مستقیم تبدیل شده است: پایگاه نظامی در «عصب» (بربره) سومالی، مدیریت بندر استراتژیک بربره در ساحل سومالی‌لند، سرمایه‌گذاری هنگفت در بنادر سودان و اریتره، و اخیراً قراردادهای بحث‌برانگیز برای استخراج منابع معدنی در کنگو و زامبیا. این ماجراجویی، ضمن برهم زدن موازنه سنتی قدرت در شاخ آفریقا (که زمانی تحت نفوذ ترکیبه، قطر و چین بود)، اقتصاد سیاسی امارات را بر لبه تیغ قرار داده است. سه ستون اصلی اقتصاد امارات یعنی صندوق‌های ثروت دولتی (نظیر مادلده و ADQ)، شرکت‌های حاکمیتی (مانند Emirates Global Aluminium و DP World) و مدل اقتصادی دبی

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

«امارات» فدای طرفداری هژمونی

رویای هژمونی، قمار بی‌طرفی تاریخی ابوظبی را بلعید

به برند «بی‌طرفی مطلق» دست نیافته است. عمان ظرفیت جغرافیایی و قانونی خوبی دارد امسا فاقد آن اقتصاد پویا و خدمات مالی در مقیاس دبی‌است. عربستان با پروژه ریاض و نوم در صدد است دقیقاً جای خالی دبی را پر کند؛ با این تفاوت که ریاض در ازای ثبات روانی، هزینه پذیرش سلطنت متمرکز و قدرت مطلق و لיעهد را می‌خواهد. بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی ترجیح می‌دهند به جای ریاض به دبی بیایند چون از «استقلال نسبی» در محیط کسب‌وکار برخوردارند. اگر دبی فروپاشی روانی پیدا کند، آن استقلال به کدام شهر می‌رود؟ پاسخ ممکن است هیچ‌کدام نباشد؛ بلکه بغداد یا استانبول یا حتی بمبئی شانس خود را آزمایش کنند. اما در آن میان، ابوظبی به تلخی خواهد آموخت که «قمار بزرگ» برای کسب جایگاه هژمون، وقتی با تضعیف پایگاه امنیت و بی‌طرفی همراه شود، نه تنها به استقلال استراتژیک نمی‌انجامد بلکه یک کشور را از «پناهگاه مطمئن» به «بازیکن تنها و آسیب‌پذیر» تبدیل می‌کند.

سخن آخر آنکه امارات متحده عربی در دوراهی تاریخی قرار دارد: یا مسیر تثبیت‌شده نیم‌قرن بی‌طرفی خلاق را با اصلاحاتی در حاشیه ادامه دهد، یا هر سه ستون اقتصاد خود را به پای یک رویای تهاجمی ناشناخته قربانی کند. آنچه این گزاره را به راستی یک «قمار» بدل می‌سازد نه اندازه ریسک که نامتقارن بودن آن است. در صورت پیروزی در این قمار، امارات احتمالاً به جرگه قدرت‌های متوسط منطقه‌ای با نفوذ فرامنطقه‌ای می‌پیوندد. اما در صورت باخت، هیچ صندوق ثروتی نمی‌تواند اعتماد ازدست‌رفته بازار را بازگرداند و هیچ بندر مدرنی جای «ثبات روانی» را پر نخواهد کرد. خاورمیانه بی‌صبرانه تماشا می‌کند: آیا ابوظبی معماری جدیدی می‌سازد یا بنای کهن خود را برای هیجان یک رویا، ویران می‌کند؟



بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی -اقتصاد سرآمد